

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال ششم، شماره (۱۸)، پاییز ۱۳۹۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۹

صص ۲۲ - ۱

بررسی مقایسه‌ای عوامل مرتبط با ترس از جرم زنان و مردان مطالعه موردی زنان و مردان ساکن شهر کرج

حبیب احمدی^۱، علی عربی^۲، محبوبه صادق زاده تبریزی^۳

چکیده

تحقیق حاضر با روش پیمایش سعی در مقایسه رابطه بی‌سازمانی اجتماعی با ترس از جرم در بین زنان و مردان ۱۸ ساله به بالای شهر کرج را داشته است. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۴۱۳ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردیدند. یافته‌ها حاکی از آن بود که تنها متغیر بی‌نظمی محله‌ای بصورت مشترک در مردان و زنان رابطه معناداری با ترس از جرم دارد. از میان سایر متغیرها ترس از جرم در زنان با متغیرهای پیوند محله‌ای، رضایت از پلیس، سن و نوع مسکن و در مردان با متغیرهای تعلق خاطر به محله، مدت اقامت در محله و

hahmadi@rose.shirazu.ac.ir

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۳- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

ناهمگونی قومیتی دارای رابطه معناداری بود. در نهایت متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون به شیوه گام به گام، توانستند در زنان و مردان به ترتیب ۱۸/۳ و ۱۷/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق را تبیین نمایند.

واژه‌های کلیدی: ترس از جرم، بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی محله‌ای، رضایت‌مندی از پلیس.

مقدمه

ترس از جرم به عنوان یک حوزه مطالعاتی از سال ۱۹۶۰ به رسمیت شناخته شده است. در دهه ۱۹۷۰ این حوزه مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفت، مخصوصاً زمانی که آنها شروع به بررسی ارتباط مشخصه‌های جمعیت‌شناختی با ترس نمودند. البته این مطالعات همواره در کنار جرم و قربانیان آن تمرکز داشت تا آنکه در سال ۱۹۷۶ کلمنته و کلایمان^۱ دریافتند که ترس از جرم و جنایت بسیار بیشتر از جرم و جنایت در جامعه مشکل‌ساز است و به شدت نیازمند تحقیق بصورت جداگانه از جرم می‌باشد (هورین^۲، ۲۰۰۶: ۱۱-۱۰).

امروزه مطالعه ترس از جرم و عوامل مرتبط با آن به علت تاثیرات منفی‌ای که بر زندگی روزمره افراد و جامعه در کل دارد، موضوع بسیار مهمی جهت انجام پژوهش‌های دانشگاهی است. مطالعات در حوزه جرم‌شناسی ثابت کرده‌اند که ترس از جرم می‌تواند باعث ایجاد محدودیت در مسافرت‌های درون‌شهری و برون‌شهری مردم، ایجاد فشار برای انجام تعهداتی که پذیرفته‌اند و سخت‌تر کردن اموری گردد که افراد برای خود و دیگران میزانی از امنیت را جهت پرداختن به آنها لازم می‌دانند (کارک^۳، ۲۰۰۶: ۱؛ نیکولسن^۴، ۲۰۱۰: ۲). همچنین با توجه به رویکردهای نوین در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی جهت حضور هرچه بیشتر زنان در جامعه و همچنین نقش بسیار مهم و غیر قابل انکار آنان در توسعه پایدار کشور، مطالعه و

1. Clemente & Kleiman
2. Hurban, M. Holly
3. Kristin Rachele Kristin Rachele
4. David F. Nicholson

بررسی عوامل موثر جهت حضور هرچه بیشتر آنان در عرصه‌های عمومی جامعه از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد (نصرالهی و پوشدوزباشی، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۶۰). عرصه عمومی شهر صحنه نمایش زندگی روزمره مردم است و به همین علت نقش مهمی در توسعه جامعه دارد. مهمترین عامل تهدید کننده حضور شهروندان در فضای عمومی شهرها ترس از بزه دیدگی مالی و جانی می‌باشد (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۲). بنابراین مقوله امنیت شهرها به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی توسعه پایدار از اهمیت بسیاری برخوردار است. اصولاً توسعه و امنیت رابطه متقابل و دوسویه‌ای با یکدیگر دارند. امنیت تضمین کننده تعاملات و مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه می‌باشد و مناسبات اجتماعی باعث افزایش اعتماد اجتماعی و افزایش احساس امنیت در میان شهروندان می‌گردد (نویدینیا، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۷ و رهنمایی و پورموسوی، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

اکنون با نگاهی منتقدانه به گذشته می‌توان دریافت که گسترش شهرنشینی و رابطه آن با آسیب‌های اجتماعی از مشخصه‌های اصلی توسعه شهری کشورمان در چند دهه اخیر است. نرخ جرایم و آسیب‌ها همواره در محیط‌های شهری بالا بوده است و هم اکنون نیز شهرها به ویژه کلان شهرها در سراسر جهان از مهمترین کانون‌های بروز ناهنجاری و جرایم اجتماعی هستند (علی اکبری، ۱۳۸۳: ۴۹). با توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیک میان زنان و مردان و همچنین پیامدهای جنسیتی متفاوت جرایم واقع شده از لحاظ جامعه شناختی زنان همواره میزان ترس از جرم بیشتری را نسبت به مردان تجربه می‌نمایند. بنابراین بررسی مقایسه‌ای عوامل موثر در میزان ترس از جرم میان زنان و مردان می‌تواند کمک شایانی به شناخت هرچه بیشتر این مفهوم و عوامل مرتبط با آن جهت حضور هرچه بیشتر زنان در جامعه و کاهش اثرات ترس از جرم بر کیفیت زندگی آنان داشته باشد.

پیشینه پژوهش

نخستین گام در فرآیند تحقیق بررسی پیشینه موجود در حوزه مورد مطالعه می‌باشد. سود جستن از اندیشه‌های دیگران در تحقیقات پیشین به پژوهشگر کمک می‌کند مساله مورد

مطالعه خود را هرچه شفاف‌تر درک نماید (گیدنز^۱، ۱۳۸۶: ۷۱۷). بنابراین به مرور برخی از مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در حوزه ترس از جرم می‌پردازیم.

صادقی‌فسایی و میرحسینی در پژوهش خود به بررسی عوامل موثر بر بزه‌دیدگی زنان شهر تهران پرداخته‌اند. در این تحقیق که بر اساس دیدگاه قربانی‌شدن با رویکردی کیفی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان دادند که عواملی نظیر: بی‌احتیاطی زنان، نوع فعالیت‌های روزمره، نوع رفتار و پوشش، خشونت در حوزه عمومی و خصوصی، نابسامانی خانواده، ضعف در جامعه‌پذیری، ناکارآمدی یا نبود قوانین حمایتی و اجتماعی، عدم آموزش روش‌های دفاع از خود، درهم ریختگی فضای شهری، وجود مکان‌های جرم‌خیز، وجود نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی در کنار ویژگی‌های فیزیولوژیکی از جمله مهمترین دلایل بزه‌دیدگی زنان می‌باشد (صادقی‌فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۰).

ربانی و همکاران در مطالعه خود به بررسی احساس ناامنی دختران دانشجوی دانشگاه اصفهان پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که احساس ناامنی زنان با احساس قربانی شدن آنان رابطه مستقیم دارد. همچنین بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (تلویزیون و مجلات)، و احساس ناامنی زنان همبستگی منفی وجود داشت. به عبارت دیگر استفاده بیشتر از رسانه‌ها سبب کاهش ترس از جرم آنان شده بود (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹).

احمدی و اسمعیلی نیز در مطالعه‌ای عوامل موثر بر احساس امنیت زنان مشهدی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که میانگین احساس امنیت در نمونه مورد مطالعه در سطح بسیار پایینی قرار داشت و عواملی چون: استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نگرش به حجاب، طراحی شهری، تصور فرد از خود بصورت مستقیم و حمایت اجتماعی بطور معکوس با متغیر وابسته تحقیق (احساس امنیت)، رابطه معناداری داشتند (احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹).

همچنین شهرداد خواجه عسگری و زنجانی‌زاده‌اعزازی در تحقیقی با توجه به علت‌ها و پیامدهای ترس از جرم در بین زنان بندرعباس نظریه‌های مرتبط با ترس از جرم را مورد بررسی

قرار دادند. در این مطالعه مشخص شد دو متغیر آرای فرد درباره اطلاعات از قانون با بتای ۰/۵۴ و تجربه ناامنی از سوی فرد، خانواده و دوستانش با بتای ۰/۳۴ به همراه روشنی کوچه‌ها و گذرگاه‌ها و حضور پلیس نقش مهمی را در ادراک زنان از ترس از جرم داشته‌اند (شهادت خواجه عسگری و زنجانی زاده‌اعزازی، ۱۳۸۷).

دیزن^۱ در مطالعه خود با عنوان "تجزیه و تحلیل انتقادی از ترس از جرم در محیط دانشگاهی" نشان داد که دانشجویان دختر احساس امنیت کمتری نسبت به هم‌تایان پسر خود داشته و بیشتر از پسران خود را در معرض خطر تجاوز جنسی^۲ هنگام شب در محوطه دانشگاه می‌دانستند. همچنین دختران بسیار بیشتر از مردان متمایل به حمل یک مکانیسم دفاعی با خود بودند (دیزن، ۲۰۱۱).

کالین و تیزدل^۳ در مطالعه خود به بررسی نقش مقیاس سنجش در میزان تفاوت گزارش شده از سطوح ترس از جرم در بین زنان و مردان پرداخته‌اند. تحلیل داده‌های حاصل از این پژوهش تفاوت معناداری را در تفاوت میزان ترس از جرم گزارش شده بین مردان و زنان نشان داد. این تفاوت با توجه به مقیاس‌ها، با گویه‌ای که ترس از جرم را در ارتباط با آسیب‌های فیزیکی بویژه تجاوز جنسی مورد سنجش قرار می‌داد تبیین گشت (کالین و تیزدل، ۲۰۰۹).

جورگنسن^۴ در مطالعه خود رابطه مزایای تجربه تفریحات در فضای آزاد و ترس از جرم به عنوان واکنشی احساسی همراه با چنین تفریحاتی که می‌تواند مانعی برای مزایای آنها باشد، را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه بیانگر اثرات متقابل معناداری بین ترس از جرم و نشانه‌های محیطی و اجتماعی در ارتباط با ترس از جرم بود. همچنین یافته‌ها نشان دادند که جنسیت تفاوت قابل ملاحظه‌ای در درک افراد از نشانه‌های محیطی به عنوان یک تهدید فراهم می‌کند (جورگنسن، ۲۰۰۸).

همچنین لیتل^۵ و همکاران در پژوهشی با توجه به نبود دانش و مطالعات کافی در خصوص ترس از جرم در فضاهای روستایی به بررسی میزان ترس از جرم در ارتباط با متغیر جنسیت

1. Hannah Deason
2. Sexual Assault
3. Callanan & Teasdale
4. Lisa Jill Jorgensen
5. Little

در بین زنان روستایی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ترس از جرم در فضای روستایی غایب نیست و زنان در خانه‌های خود احساس ترس را گزارش کرده‌اند. تحلیل داده‌ها علت این ترس را تغییر در ارزش‌های روستایی بخصوص ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در اثر ورود غریبه‌های شهری به روستا مشخص نمودند (لیتل و همکاران، ۲۰۰۵).

مبانی نظری پژوهش

ویژگی‌های محله‌ای پیش‌بینی کننده ترس از جرم و همچنین نقش کنترل رسمی جامعه در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند. این نظریه به توضیح نفوذ ترس از جرم در زمینه بافت مناطق مختلف شهری می‌پردازد (مک‌کرا^۱ و همکاران، ۲۰۰۵: ۹). در این رویکرد، بی‌سازمانی اجتماعی به ناتوانی جامعه در تحقق اهداف مشترک و حل مشکلات اشاره دارد. میزان پیوندهای اجتماعی ساکنین با یکدیگر و کنترل آنها بر محله‌شان در مرکز این نظریه قرار دارد. این عوامل در ارتباط با نابسازمانی اجتماعی، بر درک افراد از خطر بزه‌دیدگی احتمالی تاثیر می‌گذارند (کوبرین و روترز^۲، ۲۰۰۳: ۳۷۶-۳۷۴). بنابراین فقر، تحرک مسکونی، ساختار نامتناسب محله، ناهمگونی قومی و نبود پیوندهای اجتماعی سبب کاهش ظرفیت محله جهت کنترل غیر رسمی رفتار مردم در ملاعام و در نتیجه، افزایش احتمال بروز جرم و جنایت می‌گردد (کاراکاس^۳ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۷۷). نظریه پردازان این رویکرد پیوندهای اجتماعی را بدان علت که منبع بالقوه‌ای برای سرمایه اجتماعی^۴ هستند مورد توجه قرار داده‌اند. سرمایه اجتماعی تعاریف متعددی را در بر می‌گیرد. کلمن^۵ (۱۹۸۸) سرمایه اجتماعی را منابع غیر ملموس تولید شده در روابط بین افراد برمی‌شمارد که سبب تسهیل کنش جمعی آنها جهت دستیابی به منافع مشترک می‌گردد (کلمن، ۱۹۸۸: ۱۰۰ نقل شده در کوبرین و روترز، ۲۰۰۳: ۳۷۷). این منابع از طریق پیوندها و روابط اجتماعی انتقال می‌یابند اما صرفاً به این مقولات ختم نمی‌شوند، بلکه کلید تسهیل کنترل اجتماعی هستند. برخی از این منابع شامل تعهدات،

1. Rod McCrea
2. Charis E. Kubrin, and Ronald Weitzer
3. Onder Karakus
4. Social Capital
5. James S. Coleman

اطلاعات، اعتماد و هنجارها می‌باشند. برای مثال، ارتباط بین والدین در محله می‌تواند منجر به اشتراک گذاری اطلاعات یا تعهداتی متقابل (به عنوان منابع) گردد، که در نهایت برای نظارت و کنترل بر رفتار فرزندانشان بکار آید (کوبرین و رویترز، ۲۰۰۳: ۳۷۷-۳۷۵).

بی‌سازمانی هر دو بعد فیزیکی و اجتماعی را شامل می‌شود. در بعد فیزیکی مسائلی چون وجود زباله در خیابان‌ها و جوی آب، دیوار نبشته، خانه‌های نیمه ساخته و مخروبه، زمین‌های خالی، روشنایی محله مورد توجه قرار می‌گیرند. در بعد اجتماعی نیز می‌توان به پرسه زدن افراد معتاد و مست در محله، فروشندگان مواد مخدر و دستجات پر سرو صدا اشاره کرد. وجود بی‌سازمانی در محله نشانه‌ای از شکستن هنجارهای رفتاری و کنترل اجتماعی در فضاهای محلی می‌باشد. درک مردم از این نشانه‌ها سبب افزایش ترس از جرم در چرخه تجارب آنها می‌گردد. هرچند بی‌سازمانی می‌تواند با کاهش سرمایه اجتماعی حاصل از پیوندهای همسایگی سبب افزایش احساس نامنی و ترس گردد، اما تاثیر آن بر ترس از جرم محدود به فرآیندهای اجتماعی نمی‌شود. مردم به سادگی و بطور مستقیم از طریق مشاهده بی‌تمدنی و درک رابطه آن با افزایش خطرپذیری، ترس از جرم را تجربه می‌کنند. همچنین عوامل محیطی چون: نوع مسکن، مدت اقامت و میزان تنوع قومیتی در محله سکونت افراد با تاثیر بر پیوند محله‌ای نقش مهمی بر پیش‌بینی ترس از جرم دارند. بنابراین با توجه به مبانی نظری رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی، ساختار محله بطور مستقیم از طریق درک بی‌نظمی‌های فیزیکی و اجتماعی و غیرمستقیم از طریق فرآیندهای اجتماعی همچون، پیوندهای همسایگی و تعلق خاطر به محله، می‌تواند ترس از جرم را پیش‌بینی کند (مک‌کرا و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۲-۱۰). در رویکردهای جدید نظریه بی‌سازمانی اجتماعی در تبیین ترس از جرم، نقش نظارت رسمی (پلیس)، نیز مورد توجه محققان قرار گرفته است. کمیت و کیفیت فعالیت‌های پلیس در محله می‌تواند تاثیر بسیاری بر نرخ جرم بگذارد. محلات فقیر، معمولاً کمتر امنیت خود را به علت حضور پلیس دریافت می‌کنند که این امر را می‌توان در داده‌های مربوط به شکایت آنان از پلیس استنباط نمود. بنابراین در این نظریه نقش کنترل‌های رسمی و غیر رسمی در ارتباط بی‌نظمی‌های حاکم بر مناطق مسکونی جهت پیش‌بینی ترس از جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد (کوبرین و

رویترز، ۲۰۰۳: ۳۸۲). بطور کلی این نظریه جهت تبیین جرم و آسیب‌های ناشی از آن همواره وضعیت نابسامان اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین بی‌نظمی محله‌ای و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
۲. بین پیوند محله‌ای و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
۳. بین تعلق خاطر به محله و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
۴. بین رضایتمندی از پلیس و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
۵. بین مدت اقامت در محله و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
۶. بین سن و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
۷. بین نوع مسکن و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
۸. بین ناهمگونی قومیتی و ترس از جرم رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در رویکردهای کمی با توجه به حضور جامعه آماری بزرگ، جهت جمع‌آوری داده‌ها از تعداد محدودی به عنوان نمونه مورد مطالعه از روش پیمایش استفاده می‌گردد (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۲۴-۱۲۳). پیمایش اجتماعی روشی رایج در رجوع به واقعیت است (ساعی، ۱۳۸۷: ۱۳۳) که با اطمینان بالایی می‌توان یافته‌های آن را به جامعه آماری مورد مطالعه تعمیم داد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۲۸). تعداد نمونه مورد مطالعه در این تحقیق با فرمول کوکران در سطح ۹۵ درصد اطمینان محاسبه گردید سپس با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۱ توسط ابزار پرسشنامه داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد. پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص تعداد ۴۱۳ پرسشنامه کدگذاری و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS گشت.

همواره در تحقیق علمی قبل از ورود به واقعیت برای گردآوری اطلاعات، باید بین سطح نظری و تجربی پلی ایجاد کنیم. گذر از سطح نظری به تجربی نیازمند، تعریف مفاهیم فرضیات می‌باشد (ساعی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۴).

ناهمگونی قومیتی: در این تحقیق اشاره به اجتماعات محلی دارد که افراد با قومیت‌های متفاوت در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. این افراد هرچند در یک نظم اقتصادی و سیاسی مشارکت دارند، اما از جهات دیگر (زبان، تاریخ، تبار و مانند اینها) با یکدیگر متفاوت هستند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۸۷). در این تحقیق میزان ناهمگونی قومیتی به روش ذهنی با سه سطح کم، متوسط و زیاد در سطح سنجش ترتیبی سنجیده شده است.

نوع مسکن: مسکن سرپناهی مناسب برای سکونت انسان است، که می‌تواند از نظر شکل ساختاری متفاوت باشد. در این تحقیق نوع مسکن در سطح سنجش اسمی با سه گویه ویلایی، آپارتمان و مجتمع مسکونی سنجیده شده است.

سن: به تعداد سال‌های سپری شده از زمان تولد تا زمان حال را گویند، که بصورت متغیر نسبی سنجیده شده است.

رضایت‌مندی از پلیس: میزان رضایت افراد از رفتار اجتماعی و حرفه‌ای پلیس و کارایی آن در جامعه می‌باشد. این متغیر در سطح فاصله‌ای با ۶ گویه سنجیده شده است.

تعلق خاطر به محله: میزان رضایت و دلبستگی ساکنین به محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند. این متغیر با ۵ گویه در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

پیوند محله‌ای: پیوند محله‌ای ناظر به روابط بین همسایگان با یکدیگر و میزان مشارکت در خصوص مسائل محله سکونت‌شان است. این روابط سبب تولید منابعی همچون تعهدات و اعتماد بین ساکنان محله جهت تسهیل کنترل اجتماعی می‌شود (کوبرین و رویترز، ۲۰۰۳: ۳۷۷).

این گویه در سطح سنجش فاصله‌ای، با ۵ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

بی‌نظمی محله‌ای: بی‌نظمی (بی‌سازمانی) هر دو بعد فیزیکی و اجتماعی را شامل می‌شود. در بعد فیزیکی مسائلی چون وجود زباله در خیابان‌ها و جوی آب، دیوار نبشته، خانه‌های نیمه ساخته و مخروبه، زمین‌های خالی و روشنایی محله مورد توجه قرار می‌گیرند. در بعد اجتماعی نیز می‌توان به پرسه زدن افراد معتاد و مست در محله، فروشندگان مواد مخدر، دستجات پر

سرو صدا و ناهمگونی قومیتی اشاره کرد. این متغیر توسط ۱۹ گویه و در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.

طول اقامت در محله: مدت زمانی که افراد بصورت متوالی در محله فعلی سکونت خویش، اقامت داشته‌اند. این متغیر در سطح سنجش نسبی مورد سنجش قرار گرفته است.

ترس از جرم: با توجه به تحقیقات گذشته و مبانی نظری موجود، ترس از جرم را می‌توان در دو بعد مورد سنجش قرار داد. یک بعد احساس آسیب‌پذیری یا ادراک فرد از ایمنی خود و بعد دوم احساس نگرانی از قربانی شدن در مورد جرایمی مشخص می‌باشد. در این تحقیق نگرانی از قربانی شدن با ۹ گویه و احساس نا امنی با ۱۰ گویه در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند (کین ۱۹۹۲ نقل شده در نیکلسون، ۲۰۱۰: ۱۱-۱۰).

جدول ۴-۱: میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های هر طیف		
نام طیف	تعداد گویه	ضریب آلفا (α)
بی‌نظمی محله‌ای	۱۹	۰/۸۵
پیوند محله‌ای	۵	۰/۸۱
تعلق خاطر به محله	۵	۰/۷۶
احساس نگرانی	۹	۰/۹۳
احساس امنیت	۱۰	۰/۸۴
رضایتمندی از پلیس	۶	۰/۸۶

یافته‌های پژوهش

پیدا کردن تصویری از چگونگی توزیع داده‌ها برای تحلیل یافته‌های تحقیق بسیار مهم است و می‌تواند کمک شایانی به محقق نماید. در این بخش در ابتدا توزیع فراوانی ابعاد متغیر وابسته تحقیق حاضر را بر مبنای جنس در جداول جداگانه رسم نموده و توضیح می‌دهیم. سپس به بررسی فرضیات تحقیق بر مبنای تفاوت در جنس خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی چگونگی انتخاب گزینه‌های مربوط به طیف احساس نگرانی را توسط پاسخگویان به تفکیک جنس برای گویه‌های مختلف نشان داده است. همانطور که در

جدول مشاهده می‌کنیم بیشترین احساس نگرانی در زنان مربوط به گویه پنجم "مزا حمت خیابانی" با میانگین ۳/۷۱ از ۵ در مقایسه با دیگر گویه‌هاست. در مردان نیز بالاترین میانگین (۳/۴۹) متعلق به گویه چهارم "سرت وسایل خودرو (قطعات خودرو یا اشیای درون آن)" است که نشان دهنده بیشترین نگرانی نسبت به آن در مقایسه با سایر گویه‌هاست.

جدول ۲: توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف احساس نگرانی

عنوان گویه‌ها	گروه	اصلا	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
سرت اشیاء و اموال از منزل	زن	۸/۷	۱۶	۲۱	۲۵/۶	۲۸/۸	۳/۵۰
	مرد	۹/۳	۱۴/۴	۲۳/۲	۲۹/۹	۲۳/۲	۳/۴۳
کیف قاپی و جیب بری	زن	۶/۸	۱۱	۱۹/۲	۳۱/۱	۳۲	۳/۷۰
	مرد	۹/۸	۱۴/۹	۲۲/۷	۲۵/۳	۲۷/۳	۳/۴۵
سرت خودرو	زن	۹/۶	۱۴/۶	۲۴/۲	۲۶	۲۵/۶	۳/۴۳
	مرد	۸/۲	۱۴/۴	۲۵/۳	۲۶/۸	۲۵/۳	۳/۴۶
سرت وسایل خودرو (قطعات خودرو یا اشیای درون آن)	زن	۷/۳	۱۴/۶	۲۲/۴	۳۵/۶	۲۰/۱	۳/۴۷
	مرد	۶/۷	۱۲/۴	۳۰/۴	۲۶/۳	۲۴/۲	۳/۴۹
مزا حمت خیابانی	زن	۷/۸	۱۱/۴	۱۹/۲	۲۵/۶	۳۶/۱	۳/۷۱
	مرد	۱۳/۴	۱۳/۴	۱۸	۲۸/۴	۲۶/۸	۳/۴۲
مورد تجاوز قرار گرفتن	زن	۱۷/۸	۱۴/۲	۱۱/۹	۱۰	۴۶/۱	۳/۵۳
	مرد	۲۷/۸	۱۱/۹	۱۳/۹	۱۴/۹	۳۱/۴	۳/۱۰
آدم ربایی	زن	۲۲/۸	۱۲/۸	۱۴/۶	۱۱	۳۸/۸	۳/۳۰
	مرد	۲۸/۹	۱۷/۵	۱۴/۴	۹/۸	۲۹/۴	۲/۹۳
کنک خوردن توسط افراد ناشناس	زن	۲۲/۴	۱۳/۷	۱۴/۶	۱۳/۷	۳۵/۶	۳/۲۶
	مرد	۲۱/۶	۱۵/۵	۱۹/۶	۱۷	۲۶/۳	۳/۱۱
تصادف با وسایل نقلیه	زن	۹/۱	۱۳/۷	۲۱	۳۰/۱	۲۶	۳/۵۰
	مرد	۱۰/۳	۱۳/۹	۲۶/۸	۲۲/۷	۲۶/۳	۳/۴۱

در جدول شماره ۳ توزیع فراوانی چگونگی انتخاب گزینه‌های مربوط به طیف احساس امنیت توسط پاسخگویان به تفکیک جنس برای گویه‌های مختلف نشان داده شده است. همانطور که در جدول مشاهده می‌کنیم، کمترین احساس امنیت در مردان مربوط به گویه نهم "پارک کردن اتومبیل برای مدت طولانی در خیابان" با میانگین ۲/۴۰ از ۵ در مقایسه با دیگر

گویه‌هاست. در زنان نیز کمترین میانگین (۳/۴۹) متعلق به گویه هشتم "تردد با ماشین‌های مسافرکش شخصی در شب" است که نشان دهنده پایین‌ترین میزان احساس امنیت زنان نسبت به آن در مقایسه با سایر گویه‌هاست.

جدول ۳: توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف احساس امنیت

عنوان گویه‌ها	گروه	اصلا	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
تنها بودن در خانه در طول روز	زن	۲/۷	۳/۲	۱۷/۸	۳۵/۲	۴۱/۱	۴/۰۹
	مرد	۵/۲	۳/۱	۱۵/۵	۳۳/۵	۴۲/۸	۴/۰۶
تنها بودن در خانه پس از تاریکی هوا	زن	۶/۴	۱۰/۵	۲۵/۶	۳۳/۳	۲۴/۲	۳/۵۸
	مرد	۲/۶	۹/۳	۲۰/۱	۳۱/۴	۳۶/۶	۳/۹۰
بیرون رفتن از خانه در طول روز به تنهایی	زن	۱/۸	۱۱/۴	۲۹/۲	۲۵/۶	۳۲	۳/۷۴
	مرد	۳/۶	۷/۲	۱۹/۱	۳۲	۳۸/۱	۳/۹۴
بیرون رفتن از خانه پس از تاریکی هوا به تنهایی	زن	۲۶/۹	۲۵/۶	۲۸/۸	۱۳/۷	۵	۲/۴۴
	مرد	۹/۳	۱۴/۹	۳۰/۹	۲۵/۸	۱۹/۱	۳/۳۰
خالی گذاشتن خانه به مدت چند روز	زن	۱۸/۷	۲۱	۲۸/۳	۲۰/۱	۱۱/۹	۲/۸۵
	مرد	۱۹/۶	۲۵/۸	۳۱/۴	۱۲/۹	۱۰/۳	۲/۶۹
حمل پول نقد	زن	۲۱/۹	۲۶	۳۶/۵	۱۱/۹	۳/۷	۲/۴۹
	مرد	۱۸/۶	۲۸/۴	۳۰/۹	۱۳/۹	۸/۲	۲/۶۵
تردد با ماشین‌های مسافرکش شخصی در روز	زن	۲۶/۵	۱۹/۲	۳۱/۱	۱۶/۹	۶/۴	۲/۵۸
	مرد	۹/۳	۱۸	۳۶/۱	۲۷/۳	۹/۳	۳/۰۹
تردد با ماشین‌های مسافرکش شخصی در شب	زن	۵۶/۶	۲۰/۱	۱۳/۲	۶/۴	۳/۷	۱/۸۰
	مرد	۲۵/۳	۲۴/۲	۳۲	۱۲/۹	۵/۷	۲/۴۹
پارک کردن اتومبیل برای مدت طولانی در خیابان	زن	۲۴/۷	۲۵/۱	۳۷/۴	۸/۷	۴/۱	۲/۴۲
	مرد	۲۶/۳	۲۹/۹	۲۷/۸	۹/۸	۶/۲	۲/۴۰
حضور در پارک‌ها و مراکز تفریحی در شب	زن	۲۷/۴	۲۲/۴	۳۳/۸	۹/۶	۶/۸	۲/۴۶
	مرد	۱۴/۹	۲۶/۳	۳۴	۱۵/۵	۹/۳	۲/۷۸

بررسی فرضیات

فرضیه اول: بین بی‌نظمی محله‌ای و ترس از جرم رابطه وجود دارد.

جدول ۴ نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین بی‌نظمی محله‌ای و ترس از جرم در میان هر دو جنس وجود دارد. این رابطه با توجه به مقدار سطح معناداری ($P=0/000$)، در سطح ۹۹ درصد قابل پذیرش بوده و فرضیه فوق تایید می‌شود. همچنین با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب پیرسون بدست آمده ($r=0/311$ زنان) و ($r=0/340$ مردان)، می‌توان گفت این رابطه مثبت می‌باشد. به عبارت دیگر هرچه میزان بی‌نظمی محله‌ای افزایش یابد، ترس از جرم افراد بیشتر می‌گردد.

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین بی‌نظمی محله‌ای و ترس از جرم

بی‌نظمی محله‌ای		متغیر مستقل	
سطح معنی‌داری	مقدار همبستگی	متغیر وابسته	
۰/۰۰۰	۰/۳۱۱	زن	ترس از جرم
۰/۰۰۰	۰/۳۴۰	مرد	

فرضیه دوم: بین پیوند محله‌ای و ترس از جرم رابطه وجود دارد. جدول ۵ نشان‌دهنده آزمون رابطه بین ترس از جرم و پیوند محله‌ای افراد است. طبق سطح معنی‌داری حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بین این دو متغیر در زنان و مردان ($P=0/013$ زنان) و ($P=0/072$ مردان) که در جدول زیر نمایش داده شده است، فرضیه فوق در سطح ۹۵ درصد اطمینان در میان مردان رد و در میان زنان تایید می‌گردد. همچنین مقدار ضریب پیرسون بدست آمده ($r=-0/167$ زنان)، نشان می‌دهد که این دو متغیر دارای رابطه معکوس با یکدیگر هستند. بنابراین با افزایش پیوند محله‌ای در میان زنان، ترس از جرم کاهش می‌یابد.

جدول ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین پیوند محله‌ای و ترس از جرم

پیوند محله‌ای		متغیر مستقل	
سطح معنی‌داری	مقدار همبستگی	متغیر وابسته	
۰/۰۱۳	-۰/۱۶۷	زن	ترس از جرم
۰/۰۷۲	-۰/۱۲۹	مرد	

فرضیه سوم: بین تعلق خاطر به محله و ترس از جرم رابطه وجود دارد. جدول ۶ نتیجه آزمون همبستگی پیرسون را به تفکیک جنس بین متغیرهای فرضیه فوق نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی‌داری ($P=0/038$ مردان) بدست آمده فرضیه فوق در سطح ۹۵ درصد اطمینان، در مردان مورد تایید قرار می‌گیرد اما در زنان ($P=0/081$ زنان) مورد پذیرش قرار نگرفت. همچنین علامت منفی ضریب همبستگی ($r=0/149$ مردان)، مشخص می‌کند که ترس از جرم با تعلق خاطر به محله دارای رابطه معکوس می‌باشد. به عبارت دیگر هرچه میزان تعلق خاطر مردان به محله خود بیشتر باشد، ترس از جرم کمتری را تجربه خواهند نمود.

جدول ۶: ضریب همبستگی پیرسون بین تعلق خاطر به محله و ترس از جرم

تعلق خاطر به محله		متغیر مستقل	
سطح معنی‌داری	مقدار همبستگی	متغیر وابسته	
۰/۰۸۱	-۰/۱۱۸	زن	ترس از جرم
۰/۰۳۸	-۰/۱۴۹	مرد	

فرضیه چهارم: بین رضایتمندی از پلیس و ترس از جرم رابطه وجود دارد. با توجه به سطوح معنی‌داری جدول شماره ۷ که برابر با ($P=0/005$ زنان) و ($P=0/129$ مردان) می‌باشند، فرضیه فوق در زنان تایید و در مردان رد می‌شود. بنابر ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده ($r=0/191$ زنان)، بین میزان رضایتمندی پاسخگویان زن از پلیس و ترس از جرم رابطه منفی وجود دارد. بدین معنا که هرچه رضایت زنان از پلیس بیشتر باشد، میزان ترس از جرم کمتری را تجربه می‌نمایند. این رابطه در سطح ۹۹ درصد معنادار است.

جدول ۷: ضریب همبستگی پیرسون بین رضایت از پلیس و ترس از جرم

رضایت از پلیس		متغیر مستقل	
سطح معنی داری	مقدار همبستگی	متغیر وابسته	
۰/۰۰۵	۰/۱۹۱	زن	ترس از جرم
۰/۱۲۹	۰/۱۰۹	مرد	

فرضیه پنجم: بین مدت اقامت در محله و ترس از جرم رابطه وجود دارد. نتایج جدول ۸ نشان دهنده‌ی وجود رابطه‌ای منفی ($r = -0/258$ = مردان) و معنی داری ($P = 0/000$) بین دو متغیر ترس از جرم و مدت اقامت در محله سکونت در میان مردان می‌باشد. بنابراین با توجه به جدول می‌توان گفت فرضیه فوق در مورد مردان تایید می‌گردد. همچنین نتایج جدول نشان می‌دهند که ترس از جرم زنان با طول مدت اقامت در محله فعلی سکونت‌شان رابطه‌ای ندارد.

جدول ۸: ضریب همبستگی پیرسون بین مدت اقامت در محله و ترس از جرم

مدت اقامت در محله		متغیر مستقل	
سطح معنی داری	مقدار همبستگی	متغیر وابسته	
۰/۱۷۹	-۰/۰۹۱	زن	ترس از جرم
۰/۰۰۰	-۰/۲۵۸	مرد	

فرضیه ششم: بین سن و میزان ترس از جرم افراد رابطه وجود دارد. جدول شماره ۹ نشان‌دهنده ضریب همبستگی پیرسون بین سن و ترس از جرم به تفکیک جنس می‌باشد. نتایج بدست آمده از این جدول ($r = 0/141$ = زنان) و ($r = 0/37$ = زنان)، حاکی از آن است که رابطه معنادار و مثبتی حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان بین ترس از جرم با سن پاسخگویان زن وجود دارد. بدین ترتیب فرضیه فوق در مورد زنان تایید می‌شود. همچنین

باتوجه به سطح معناداری (۰/۱۲۶= مردان P)، این فرضیه در خصوص مردان مورد تایید قرار نگرفت. بنابراین در زنان با افزایش سن بر میزان ترس از جرم افزوده می گردد.

جدول ۹: ضریب همبستگی پیرسون بین سن و ترس از جرم

سن		متغیر مستقل	
سطح معنی داری	مقدار همبستگی	متغیر وابسته	
۰/۰۳۷	۰/۱۴۱	زن	ترس از جرم
۰/۱۲۶	۰/۱۱۰	مرد	

فرضیه هفتم: بین نوع مسکن و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
جدول شماره ۱۰ آزمون تفاوت میانگین ترس از جرم پاسخگویان را بر اساس نوع منزل مسکونی به تفکیک جنس نشان می دهد. فرضیه فوق با توجه به مقدار (۰/۰۲۶= زنان P) با ۹۵ درصد اطمینان در میان زنان تایید می گردد. همچنین با توجه به جدول مشاهده می نمایم که این فرضیه در میان مردان مورد پذیرش قرار نمی گیرد.

جدول ۱۰: آزمون تفاوت میانگین ترس از جرم بر حسب نوع مسکن

گروه	آزمون	مجموع مربعات	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
زن	بین گروهی	۱۳۱۴/۸۰۳	۶۷۵/۴۰۱	۳/۶۹۶	۰/۰۲۶
	درون گروهی	۳۸۴۱۷/۱۷۰	۱۷۷/۸۵۷		
مرد	بین گروهی	۱۱۶۵/۶۱۵	۵۸۲/۸۰۷	۲/۹۰۷	۰/۰۵۷
	درون گروهی	۳۸۲۸۹/۵۶۵	۲۰۰/۴۶۹		

فرضیه هشتم: بین ناهمگونی قومیتی و ترس از جرم رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۱ آزمون تفاوت میانگین ترس از جرم را بر حسب وضعیت ناهمگونی قومیتی محله سکونت، نشان می‌دهد، نتایج بدست آمده بر اساس آزمون F فرضیه فوق را در میان مردان تایید نموده و تفاوت معناداری به لحاظ آماری بین میانگین ترس از جرم پاسخگویان مرد بر اساس میزان تنوع قومیتی محله زندگی‌شان نشان داده است. همانطور که در جدول مشخص است با توجه به مقدار سطح معنی‌داری ($P=0/086$) این فرضیه در مورد زنان رد می‌شود. بنابراین تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌ها در مردان بر اساس آزمون F با مقدار (۴/۴۵۹)، و سطح معنی‌داری ($P=0/013$)، حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است.

جدول ۱۱: آزمون تفاوت میانگین ترس از جرم بر حسب تنوع قومیتی

گروه	آزمون	مجموع مربعات	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی‌داری
زن	بین‌گروهی	۸۹۳/۲۴۰	۴۴۶/۶۲۰	۲/۴۸۴	۰/۰۸۶
	درون‌گروهی	۳۸۸۳۸/۷۳۲	۱۷۹/۸۰۹		
مرد	بین‌گروهی	۱۷۵۹/۹۶۵	۸۷۹/۹۸۲	۴/۴۵۹	۰/۰۱۳
	درون‌گروهی	۳۷۶۹۵/۲۱۶	۱۹۷/۳۵۷		

جدول شماره ۱۲ نتایج رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام را به تفکیک جنس برای متغیر وابسته ترس از جرم نشان می‌دهد. در ارتباط با زنان رگرسیون تا ۵ مرحله پیش رفته است و متغیرهای بی‌نظمی محله‌ای، نوع مسکن، رضایت از پلیس، سن و روابط همسایگی وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و در مجموع توانسته‌اند ۱۸/۳ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند. در مردان معادله رگرسیونی تنها دو مرحله پیش رفته است و متغیرهای بی‌نظمی محله‌ای و مدت زمان اقامت در محله وارد معادله شده‌اند و در مجموع توانسته‌اند ۱۷/۵ درصد از تغییرات واریانس ترس از جرم را به عنوان متغیر وابسته تبیین کنند.

جدول ۵-۳۲: عناصر متغیرهای مستقل فردی و محله‌ای درون معادله برای پیش‌بینی ترس از جرم

گروه	مرحله	نام متغیر	ضریب B	Beta	R ²	آزمون T	Sig.T
زن	اول	بی‌نظمی محله‌ای	۰/۳۰۹	۰/۲۷۸	۰/۰۹۷	۴/۳۵۸	۰/۰۰۰
	دوم	نوع مسکن	۰/۱۹۲	۰/۱۴۴	۰/۱۳۳	۲/۳۰۱	۰/۰۲۲
	سوم	رضایت از پلیس	۵/۳۴۶	۰/۱۸۲	۰/۱۵۰	۲/۹۲۸	۰/۰۰۴
	چهارم	سن	-۰/۲۹۶	-۰/۱۱۲	۰/۱۶۷	-۱/۷۴۰	۰/۰۸۳
	پنجم	پیوند محله‌ای	-۰/۳۷۴	-۰/۱۳۰	۰/۱۸۳	-۲/۰۴۷	۰/۰۴۲
مرد	اول	بی‌نظمی محله‌ای	۰/۳۷۶	۰/۳۲۹	۰/۱۱۶	۵/۰۰۸	۰/۰۰۰
	دوم	مدت زمان اقامت	-۰/۳۴۴	-۰/۲۴۴	۰/۱۷۵	-۳/۷۰۸	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر اساس این فرض اصلی شکل گرفت که ترس از جرم با عواملی بیش از نرخ واقعی جرم در ارتباط می‌باشد و ویژگی‌های محیطی نقش به‌سزایی در میزان آن دارند. در این رابطه با توجه به تفاوت درک از آسیب‌پذیری میان زنان و مردان مطالعه حاضر به مقایسه اثرگذاری عوامل محیطی بر حسب جنس پرداخته است. جهت انجام این پژوهش در ابتدا ادبیات تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت و سپس با مرور نظریات مطرح در این حوزه، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب شد. در مرحله بعد با توجه به پارادایم اثباتی حاکم بر طرح تحقیق، رویکرد کمی جهت انجام این مطالعه انتخاب شد. سپس داده‌های مربوط به این پژوهش با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه، از میان نمونه‌ای از شهروندان ساکن کرج، که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، جمع‌آوری گشت. یافته‌های توصیفی تحقیق نشان دادند که در کل زنان ترس از جرم بیشتری را نسبت به مردان تجربه می‌نمایند و در این خصوص بیشترین میزان ترس از جرم متعلق به زنان کهنسال بود. فرضیه‌های تحقیق توسط آمار استنباطی بر اساس سطح مورد سنجش، مورد آزمون قرار گرفتند. در کل یک فرضیه "بین بی‌نظمی محله‌ای و ترس از جرم رابطه وجود دارد" در هر دو دو جنس به صورت مشترک مورد تایید قرار گرفت. از میان هفت فرضیه دیگر ۴ فرضیه در

میان زنان و ۳ فرضیه در میان مردان مورد تایید قرار گرفتند. میزان ترس از جرم در میان زنان با متغیرهای پیوند محله‌ای، رضایت از پلیس، سن و نوع مسکن دارای رابطه معناداری بود. همچنین ترس از جرم در میان مردان نیز با متغیرهای تعلق خاطر به محله، مدت اقامت در محله و ناهمگونی قومیتی دارای رابطه معناداری بود. بنابراین با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان سرمایه اجتماعی را به عنوان منبع غیر ملموس تولید شده در روابط بین زنان بیش از مردان جهت تسهیل کنش جمعی آنها برای دستیابی به منافع مشترک و کاهش ترس از جرم برمی‌شمرد.

منابع

- احمدی، یعقوب و عطاء اسمعیلی (۱۳۸۹). "سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته‌ای"، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره پیاپی ۳۸، صص: ۱۹۰-۱۶۹.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رهنمایی، محمدتقی و موسی پورموسوی (۱۳۸۵). "بررسی ناپایداری امنیتی کلان شهر تهران بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری"، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷، صص: ۱۹۳-۱۷۷.
- رهنمایی، محمدتقی، صابر محمدپور و حافظ اسکندری (۱۳۸۹). "تحلیل نقش مهاجرت در زمینه سازی برای پیدایش آسیب‌های اجتماعی شهرنشینی شتتابان در ایران"، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم شماره ۱، صص: ۱۷۵-۱۵۷.
- ساعی، علی (۱۳۸۷). روش تحقیق در علوم اجتماعی: با رهیافت عقلانیت انتقادی، تهران: سمت.
- شهدادخواج‌عسگری، علی و هما زنجانی‌زاده‌اعزازی (۱۳۸۷). "علت‌ها و پیامدهای ترس از جرم در بین زنان: مطالعه موردی استان هرمزگان، بندرعباس جمهوری اسلامی ایران"، مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۳، صص: ۱۶۲-۱۱۸.

علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳). "توسعه شهری و آسیب شناسی اجتماعی در ایران"، پژوهش-های جغرافیایی، شماره ۴۸، صص: ۴۹-۶۹.

فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی (۱۳۹۰). "بررسی عوامل موثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران"، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره نهم، شماره ۱، صص: ۳۵-۶۲.

کامران، حسن و علی شجاع برآبادی (۱۳۸۸). "بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی، مطالعه موردی: شهر تایباد"، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال هشتم، شماره ۲۵، صص: ۲۵-۴۶.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵). *بزهکاری نوجوانان و نظریه های انحراف اجتماعی*، تهران: علم. مدیری، آتوسا (۱۳۸۵)؛ "جرم، خشونت و احساس امنیت در فضای شهری"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، صص: ۱۱-۲۸.

نصرالهی، زهرا و هانیه پوشدووزباشی (۱۳۸۹)، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره ۸، شماره ۴، صص: ۱۵۹-۱۸۲.

نویدینا، منیژه (۱۳۸۹). "اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران"، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره ۲، صص: ۸۷-۹۹.

Callanan, J. Valeria and Brent Teasdale (2009). "An Exploration of Gender Differences in Measurement of Fear of Crime", *Femenist Criminology*, Vol. 4, No. 4, pp. 359-374.

Clarke, Kristin Rachelle (2006). *A Longitudinal Study of Fear Of Crime in Winnipeg*, Master of Arts Dissertation, Winnipeg Manitoba: University of Manitoba.

Deason, Hannah (2011), *Critical Analysis of Fear of Crime on College Campuses*, Master of Arts Dissertation, Arlington: The University of Texas.

Hurban, M. Holly (2006). *Fear of Crime in the New Yourk City Public Schools: A Study of Resilience*, PhD Dissertation, The City University of New Yourk.

Jorgensen, J. Lisa (2008). *The Effect of Environmental Cues and Social Cues on Fear of Crime in A Community Park Setting*, Doctora of Philosophy Dissertation, The University of Utah.

Karakus, Onder, Edmund F. McGarrell and Oguzhan Basibuyuk.(2010). "Fear of crime among citizens of Turkey", *Journal of Criminal Justice*, No. 38, pp. 174-184.

- Kubrin, E. Charis and Ronald Weitzer (2003). "New Direction in Social Disorganization Theory", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 40, No. 4, pp. 374-402.
- Little, Jo, Ruth panelli and Anna Kraack (2005). "Women's Fear of Crime: A Rural Perspective", *Journal of Rural Studies*, No. 21, pp. 151-163.
- McCrea, Rod. Tung-Kai Shyy, John Western and Robert J. Stimson.(2005). "Fear of crime in Brisbane Individual, social and neighborhood factors in perspective", *Journal of Sociology*, Vol. 40, No. 1, pp. 7-27.
- Nicholson, F. David (2010). *Disadvantaged Neighborhoods and fear of crime: Does family structure matter*. PhD dissertation, The University of Oklahoma.





شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی